

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه عنكبوت (جله دهم)

جله خانوادگی - استاد اخوت ۱۴/۰۴/۹۷

برای سلامتی خودتان و جبران کم و کاستی‌ها و غفران ذنوب، صلواتی ختم کنید.

برای اینکه ان شاء الله خداوند توفیق جاری شدن انس با قرآن و تدبر در آن را به ما عطا کند، صلواتی ختم نمایید.

برای اظهار ارادت خود به سوره مبارکه عنكبوت که بحث آن به پایان رسیده است، چند آیه ابتدا و انتهای سوره را مرور می‌کنیم.

سوره مبارکه عنكبوت و سوره مبارکه روم زوج سوره هستند؛ از جهت اینکه هر دو از سوره‌های «الم» بوده و پشت سر یکدیگر اند. در سوره مبارکه عنكبوت، به بحث ایمان آوردن اشاره می‌شود و ظاهراً شروع دین‌داری است و در سوره مبارکه روم، استمرار و عمیق شدن آن دین‌داری مطرح می‌شود. به همین دلیل آیات را که نگاه می‌کنیم، می‌توانیم احاطه‌ای به این موضوع پیدا کنیم.

برای رفتن به پیشواز این دو سوره مبارکه، صلواتی ختم بفرمایید.

سوره مبارکه عنكبوت:

الم ﴿۱﴾

أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ ﴿۲﴾

وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ ﴿۳﴾

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿۴﴾

مَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٥﴾

وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿٦﴾

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٧﴾

وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولَنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ ﴿٨﴾

اللَّهُ يَسْطُرُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٩﴾

وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولَنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٠﴾

قابل توجه دوستان علاقه‌مند به پژوهش، این آیات و به طور کلی آیاتی در قرآن که در مورد خداوند و اقرار گرفتن به خدایی خداوند است و در سوره‌های مختلف پراکنده‌اند، بسیار عجیب هستند و کارکردهای ویژه‌ای در زندگی به خصوص در باورمندی انسان دارند. در اینجا به نکته کوچکی اشاره می‌کنم شاید افرادی این بحث را برای پژوهش انتخاب کنند.

برخی سوالات هستند که اگر از افراد مختلف پرسیده شود، هر کس به شکل متفاوتی جواب می‌دهد؛ مثل شرایط زندگی، تحلیل‌های مختلف زندگی، حکومت دینی، انبیاء و دین اما بعضی سوالات هستند که اگر از هرکسی پرسیم، حتی اگر بت پرست هم باشد، امکان ندارد بیش از یک جواب بدهد! مثل آیه ۶۱ و ۶۳. از هرکسی، در هر سطحی (انسان دارای مشاعر) این سوال را پرسیم، حتما جواب می‌دهد، «خدا».

اگر شما پرسش‌نامه‌ای آماده کنید و با دوربین در سطح دنیا بچرخید و از مردم این سوال را پرسید که «چه کسی آسمان‌ها و زمین را خلق کرده است؟» جواب‌های متفاوتی دریافت می‌کنید. ممکن است کسی بگوید خود به خود به وجود آمده‌اند. دیگری بگوید ماورایی است. کسی بگوید طبیعت است. همه این موارد همان خدا است اما با بیان‌های مختلف. بنابراین متوجه می‌شوید، خدا در افواه و عرفیات مختلف، نام‌های دیگری دارد. به این جواب‌ها باید به شکل دیگری نگاه کنیم و بفهمیم که هرکس خدا را با جلوه و اسم خاصی بیان می‌کند. ممکن است کسی بگوید خدا، اما اسم آن را طبیعت، کوانتوم یا ماوراء بگذارد. اینجا متوجه می‌شویم که خواندن خداوند، به وسیله

اسماء مختلفی صورت می‌گیرد. جالب بودن این موضوع این است که بینیم چه سوالاتی وجود دارند که جواب واحدی دارند. آیا در این عالم سوالاتی وجود دارد که جواب واحد داشته باشد؟ ظاهراً چنین سوالاتی وجود دارد و این بسیار مهم است. کارکرد این سوالات، در باورمهندسازی بسیار اهمیت دارد؛ یعنی وقتی انسان بخواهد به افراد کوچک و بزرگ، توحید بیاموزد، بهتر است از این آیات شروع کند.

اعتقادات را باید از سوالاتی شروع کرد که در هر حالت جوابشان خدا است! و نه از سوالاتی که ممکن است در جواب خدا و یا چیز دیگری گفته شود.

این آیات، آیات آموزش توحید در هفت سال اول و دوم است. به همین راحتی! مبدا آموزش توحید است و با جستجو و استخراج این آیات، آموزش توحید برای هفت سال دوم و سوم و برای برخی، هفت سال اول است. بعضی افراد فکر می‌کنند که وقتی می‌خواهند توحید را به بچه‌های خود آموزش بدهند، باید در قرآن به دنبال آیه‌ای باشند که بگویند ای کسانی که ایمان آورده اید اگر می‌خواهید توحید را به فرزند ۷ یا ۸ ساله خود آموزش دهید، به این صورت اقدام کنید! به دنبال چنین آیه‌ای در قرآن می‌گردند اما چیزی پیدا نمی‌کنند و می‌گویند قرآن در رابطه با آموزش توحید به سنین مختلف، مطلبی بیان نکرده است! درست می‌گویند چنین آیه‌ای به این شکل در قرآن بیان نشده اما در عوض به شکل دیگری گفته شده است. اگر این سوال را از هر کسی که عقل در او فعال شده است پرسید، حتماً جواب می‌دهد، خدا. بنابراین بیان این آیه و اقرار گرفتن نسبت به این آیه، برای هر سنی که عقل در آن فعال شده باشد، نه تنها بلامانع است بلکه مفید باورهای توحیدی نیز می‌باشد. بسیاری از بحث‌های دیگر را هم به همین شکل می‌توان استخراج کرد.

برای مثال اگر آیه ۶۳ به عنوان محور آموزش‌های توحیدی باشد، وقتی رویش گیاه و بارش باران را می‌بینیم، همان محلی است برای دلالت و توجه دادن به اینکه کسی که این گیاه را رشد می‌دهد و باران را می‌فرستد، خداوند است. ممکن است بعضی افراد نگران این موضوع شوند که در این آموزش، در ذهن کودک شبهه ایجاد می‌شود و خدا را جسم تصور می‌کند، در جواب می‌گوییم اینگونه نیست. ظاهراً هیچ اتفاقی برایش نمی‌افتد! و با قوت بگویید خداوند، چون خود خدا اینگونه گفته است.

در آیه ۶۳ ممکن است کسی سوال کند چرا خداوند فرموده است «الحمد لله»؟ می‌گوییم همین که خداوند خودش را می‌تواند معرفی کند، ستودنی است..

خداوند حقیقتی است که هیچ شناختی نمی‌تواند بر آن مترتب شود اما همین که این حقیقت که قابلیت شناخت ندارد، آنقدر واضح شده است که هر انسان دارای عقلی، او را می‌شناسد، «الحمدلله» دارد.

«الحمدلله» که خدا، خودش را قابل معرفی قرار داد. «بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ»! چرا «لَا يَعْقِلُونَ»؟ چون این افراد نمی‌توانند گزاره را استخراج کنند. مثل اینکه من بگویم «ما لَا نَهَائِيَّةٌ لَهُ، لَا نَهَائِيَّةٌ لَهُ». چیزی که نهایی ندارد، نهایی ندارد و کسی که قابل ادراک نیست، قابل ادراک نیست. این عقل است. چگونه می‌شود که آنچه «ما لَا يُدْرِكُ» است، قابلیت درک و شناخت پیدا می‌کند؟ حتما اراده‌ای توسط خودش اتفاق افتاده که اینگونه شده است. اگر این اراده نبود کسی نمی‌توانست او را بشناسد. چرا که از نظر عقلی، امکان «ما لَا يُدْرِكُ، لَا يُدْرِكُ».

این انسان‌هایی که خدا را می‌شناسند، نمی‌دانند که الزاما این خدا همانی است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) و دین را فرستاده و بین این مسائل، گسست ایجاد می‌شود.

یکی از اتفاقاتی که باید برای ما رخ بدهد این است که لازم است شناخت خود را نسبت به خدا تقویت کنیم. ما به شناخت قوی‌تری احتیاج داریم. ما پیامبر (صلی الله علیه و آله)، دین و خدا را پذیرفته‌ایم، اما نیاز داریم که خدا را بیشتر بشناسیم. آیا چنین امکانی وجود دارد؟ بله. از چه مسیری؟ از همین مسیری که گفته شد. زیر چتر برویم و ریزش باران را روی زمین و حیاتی که این باران ایجاد می‌کند، ببینیم. این آیه از من می‌پرسد چه کسی باران را فرستاده است؟ من باید بلافاصله بگویم من در آن صحنه حاضر بودم و حین باران، خدا را دیدم و در پایان می‌گویم «الحمدلله». «الحمدلله» که خدا خودش را معرفی کرد. خداشناسی مهم‌تر از برطرف شدن نیاز به غذا و آب است، زیرا آب و غذا، نیاز جسم انسان است اما خداشناسی، نیاز روح و روان انسان را برطرف می‌کند.

سوال: چرا در بعضی دیگر از آیات قرآن که از همین نمونه سوالات هستند، «الحمدلله» بعد از معرفی خدا آورده نشده است؟

- زمانی که حُسن ایجاد می‌شود، «الحمدلله» گفته می‌شود. یا زمانی است که پیامبر (صلی الله علیه و آله)، چنین چیزی را می‌بیند یا زمانی که خداوند چنین کاری انجام می‌دهد. در هر دو حالت، حُسن ایجاد شده، «الحمدلله» دارد. این

^۱سوره عنکبوت، آیه ۶۳

آیه حصر عقلی دارد. در حمد، حتما باید جریان حُسن وجود داشته باشد که یا در معرفی خدا یا مشاهده پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. هر حالتی که بتوان در نظر گرفت که دارای حُسن باشد، حمد می‌خواهد.

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٦٤﴾

فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ ﴿٦٥﴾

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ وَلِيَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٦٦﴾

در این آیات، سه مرتبه خدا را معرفی می‌کند.

خدا، در آیه ۶۱. خدا، در آیه ۶۳. خدا، در آیه ۶۵. جالب است که معرفی‌ها در آیات با عدد «فرد» آمده‌اند!

سه موقف از رویت خداوند است که با هم فرق می‌کنند و بسیار جالب است؛

موقف اول، خلقت است؛ خلقت آسمان‌ها و زمین.

موقف دوم، جعل است؛ جعل اینکه آب حیات آور باشد.

موقف سوم، دعوت و اضطرار است.

شما با تأمل در این سه آیه متوجه می‌شوید که در کلاس درس خداوند، برای توحید سه سطح وجود دارد. سطح یک، سطحی است که مخلوقات را نشان می‌دهند و می‌پرسند خدا کیست؟ سطح دو، سطحی است که کارکرد مخلوقات را نشان می‌دهند. سطح سه، سطحی است که اضطرارهای زندگی انسان و خدا را نشان می‌دهند.

شاید بتوان گفت یک سطح مظهر ربوبیت، یک سطح مظهر مالکیت و سطح دیگر مظهر الوهیت باشد. «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ، مَلِكِ النَّاسِ، إِلَهِ النَّاسِ»^۱.

به هر حال آیه ۶۵ حتما «إِلَهِ النَّاسِ» است چون «دعوا الله» دارد و با معنی إله ارتباط دارد. در آیه ۶۳ چون قلمرو حیات و گرفتن حیات مطرح است، «مَلِكِ النَّاسِ» است و آیه ۶۱ که زمینه‌های «سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ»^۲، مدیریت، اداره و

^۱سوره ناس، آیات ۱-۳

^۲سوره عنکبوت، آیه ۶۱

سیاست است، ربوبیت است. برای ربوبیت بحث «يُؤْمِنُونَ» یا «يُوقِنُونَ» مطرح می‌شود. برای مالکیت یا ملکیت، «يَعْقِلُونَ» و فهم گزاره‌ها و برای الوهیت، بحث شکر و شکر مطرح می‌شود. ممکن است افرادی این توضیحات را قبول نکنند. اما باید بدانیم که در بحث آموزش توحید، موقف‌های مختلفی داریم.

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ وَلِيَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٦٦﴾

خوب است انسان یک دور، قرآن را برای تقویت توحید خود بخواند و ببیند خداوند چگونه خودش را معرفی می‌کند.

سوال: موقف خلق و جعل، موقف نیاز هستند اما با موقف اضطرار یا دعوت چه ارتباطی دارند؟

- موقف اضطرار، رفع نیاز است. موقف حاجت است. موقف خلق و جعل، موقف نزول اسماء می‌باشد. الوهیت یعنی «الله» دیدن خدا و به دنبالش پرستش، «الله» یعنی مبداء پرستش است.

﴿فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ﴾ (٦٥)

اگر این آیات در مقام تویخ باشند، پرسیده می‌شود که چرا انسان وقتی با نعمت مواجه می‌شود، نعمت خواه می‌شود و منعم خواه نمی‌شود؟ چرا خواستار نعمت دهنده نمی‌شود؟ منعم باقی است و نعمت فانی است. چرا باقی را رها می‌کنید و فانی را می‌طلبید. اشکال کار همین مسئله است، در غیر این صورت نعمت به خودی خود اشکالی ندارد. لذا در این آیات، ایراد این است که چرا در وقت اضطرار با خدا قول و قرار می‌گذاری که اگر مرا نجات دهی، تو را شکر می‌کنم..؟ مگر همان لحظه که خدا را دیدی، جای شکر نبود؟ حتما باید چیزی داده شود که شکر کنید؟ بزرگترین عطایی که خداوند در زندگی به انسان می‌دهد، عطای خودش به او است و نه عطای نعمتش.

انسان همیشه نفع خواه و ضرر گریز است اما نفعش دور و نزدیک می‌شود؛ در ابتدای سنین رشدش، نفع را در بیرون می‌بیند و انتظار دارد از بیرون کسی چیزی به او بدهد. کم کم نفع باید همان اتفاق شود. یکی از مسائل اختلاف برانگیز در خانواده‌ها همین مسئله است؛ زمانی که افراد به بلوغ عاطفی می‌رسند، می‌گویند چرا من را به خاطر خودم دوست ندارید؟ این حرف درستی است و منشا اختلاف می‌شود. معاشرت و ارتباط با افراد به صرف بودن آن‌ها، حتی بدون هرگونه داد و ستدی!

مشکل انسان این است که جسم و روحش به هم می‌ریزد و موج منعم خواهی‌اش به جای اینکه بر روحش قرار بگیرد، روی جسمش می‌افتد.

اگر انسان واقعا اینگونه شود که خدا را برای خودش بخواهد، برایش فرقی نمی‌کند خدا به او نعمت بدهد یا ندهد. ممکن است این انسان، خدا را در گرفتن نعمت ببیند؛ یعنی رویت خدا برای فرد موضوعیت پیدا می‌کند و بزرگترین نعمت، رویت خداوند است. ای کاش عقل انسان فعال باشد تا درک کند که اگر خدا به انسان روی آورد، فرقی نمی‌کند با دادن نعمت باشد یا گرفتن آن! مهم این است که خدا به انسان روی آورد.

سوال: اگر خدا به انسان روی آورد، انسان باید چه کاری انجام دهد؟

- باید مناجات کند، دردل کند، خدا را مخاطب خودش قرار دهد. «دعوا لله» است. می‌تواند خدا را بخواند.

سوال: چگونه می‌توان فهمید که خدا این ندای انسان را شنیده است؟

- انسانی که خدا را می‌خواند، می‌داند که خدا می‌شنود چون در سَمع او شکی ندارد اما ممکن است انسان صدای خدا را نشنود. همین که خدا را می‌خواند؛ یعنی خدا هست که او را بخواند. اگر خدا نباشد که خواندنش معنا ندارد.

در همین آیه منادی همین صحبت را کرد و خدا بلافاصله جوابش را می‌دهد؛ «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا...»^۴ همین که خدا حرم امنی قرار داد درحالی‌که از شدت ناامنی مردم از اطراف آن ربه‌ده می‌شدند، نشان می‌دهد که خدا هست و می‌بیند. از برهوت‌ها و ناکجاآبادها و برقراری امنیت در محل‌هایی، می‌توان فهمید خدا هست. ما خدا را به آثار و نشانه‌ها می‌فهمیم. اولین نشانه رویت خدا، امنیت است. اینکه انسان از ناامیدی و یأس در امنیت باشد. هر جایی که خدا هست، امید و نشاط وجود دارد. مولفه‌های امنیت، نشانه‌های بودن خداوند است.

ما در عالم دو نظام داریم؛ نظام علی معلولی و نظام اسباب. نظام اول هیچ وقت تعطیل نمی‌شود اما نظام اسباب تعطیل شدنی است. این نظام یعنی کارهای بسیاری که ما با آن مواجه هستیم و با ابزارهای خاصی انجام می‌شود.

^۴سوره عنکبوت، آیه ۶۷

اما بسیاری از اوقات می‌بینیم این ابزار به کار نمی‌آیند. از اینجا متوجه می‌شویم که «عَرَفْتُ اللَّهَ (سُبْحَانَهُ) بِفَسْخِ الْعَزَائِمِ وَحَلِّ الْعُقُودِ وَنَقْضِ الْهَمَمِ»^۵، نظام اسباب نقض می‌شود.

در مجموع، رویت خدا در موقعیت‌هایی بسیار واضح است. به طور تقریبی، هر انسانی سهمیه ماهانه، سالانه یا عمری برای رویت خدا دارد؛ زمانی که نظام اسباب تعطیل می‌شود. این مسئله از عنایات خداوند و موقف‌های شناخت او است. مثل اینکه تقریباً هر انسانی در خواب یا بیداری، موقفی از رویت قیامت دارد. در رویت این موارد کلی، هر انسانی در طول حیاتش سهمیه‌ای دارد که وقتی محقق می‌شوند باید او را تکان بدهد و متحول کند. شبیه سهمیه حج که هر انسانی در طول عمر خود سهمیه حج دارد. به همین صورت، سهمیه‌ای در رویت اضطرار و در رویت قیامت. به گونه‌ای که وقتی از اضطرار یا قیامت صحبتی می‌شود، این انسان تصویری از آن دارد، زیرا در خواب یا بیداری و در موقعیتی آن را به شکلی رویت کرده است. توجه به این موقف‌های خداشناسی بسیار مهم است. این موارد جزء کلاس‌های درس خداوند است.

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ ﴿٦٨﴾

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٦٩﴾

دعا کنیم که ان‌شاءالله آیه ۶۹ برای همه ما اجابت شود. بعضی از آیات باید در ذهنمان باشد تا اگر زمانی زیر قبه امام حسین (علیه السلام) قرار گرفتیم و گفتند اینجا یک دعای مستجاب دارید، به یاد بیاوریم که مثلاً آیه آخر سوره عنکبوت برای دعا کردن خوب بود..

خوب است دفترچه‌ای داشته باشیم و آیات خاص و یا خاص‌الخاصی را که انسان را نزد خدا خاص می‌کند، یادداشت نماییم. تهیه فهرستی از دعاها برای مواقع خاص، برای هر انسانی ضروری است. البته هر کس نیت کند که من این دعا را برای زیر قبه خواستن در نظر گرفته‌ام و اگر این جرأت را پیدا کرد که چنین حرفی بزند، دعای او زیر قبه و مستجاب شده است. چون قبه مکان نیست، مقام است و در واقع شما به آن مقام توسل پیدا می‌کنید و نه آن مکان.

^۵ نهج البلاغه، مرحوم فیض، حکمت ۲۴۲

در این آیه، سه دعا نهفته است؛

۱. خدایا ما را از مجاهدین در خودت قرار بده، نه در راه خودت.

۲. حتما ما را در سبیل‌هایت هدایت کن.

۳. حتما ما را جزء محسنین قرار بده.

ان شاء الله که این اتفاق برای همه ما بیفتد، صلواتی ختم بفرمایید.

سوال: در این آیه «لَنَهْدِيَنَّهُمْ فِينَا»، «فِينَا» به چه معنا است؟

- در واقع «فِينَا» یعنی حالتی که هیچ منیتی در آن نیست؛ غیر از محو شدن در خود خدا. «فِينَا» بین مخلوقین اتفاق نمی‌افتد. ظرف مخلوق «فِينَا» نیست. حتما باید ظرف وجود و موجود باشد.

سوال: اینکه در سجده زیارت عاشورا می‌خوانیم: «بَدَّلُوا مُهَجَّهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ»، این عبارت چیست؟ بین مخلوقین نیست؟

- این اشکالی ندارد. اسم «اللَّهُ بِوَجْهِ الْحُسَيْنِ» است. وجه و اسم خداوند است. «فِي الدُّنْيَا» یعنی لهُو و لعب؛ یعنی

تصنُّع و مجاز. «فِي الْآخِرَةِ» یعنی تسلُّط. «فِينَا» یعنی «فِي الْآخِرَةِ»؛ یعنی حقیقت.

سوال: چه نشانه‌ای وجود دارد که انسان متوجه شود «فِينَا» قرار گرفته است؟

- اینکه انسان مُحسن شود. هر کاری و هر مجاهده‌ای انجام دهد، صدای خیر و حُسن از آن بلند شود.

حالا به محضر سوره مبارکه روم برویم..

صلواتی ختم بفرمایید.

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات